

شهیدِ ماهِ مبارکِ رمضان



بسم الله الرحمن الرحيم

شهیدِ ماهِ مبارکِ رمضان

احمد علی رضائی اسد آبادی [1]

مقدمه

علی ابن ابی طالب (علیه السلام)، فرزند ابوطالب و فاطمه بنت اسد و یکی از خلفای رسول الله (صلی الله علیه و آله) است که در دامن پُر مهر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و اُمّ المؤمنین حضرت خدیجه کبری (سلام الله علیها) پرورش یافته و در سن کودکی به رسالت رسول الله (صلی الله علیه و آله) ایمان آورده و با ایشان بیعت نموده است. کُنیه های ایشان عبارتند از « ابوالحسن ، ابو تراب » و برخی از ألقابشان عبارتست از « مرتضی ، أميرالمؤمنین ، حیدر ، ... » [2]. ایشان، همسر گرامی حضرت

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و پدر امام حسن و امام حسین و حضرت زینب کبری (علیهم السلام) است. ایشان، جوانمردیست که در تاریخ پر فراز و نشیب صدر اسلام، بارها جان خویش را سپرد برای جان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کرده بودند و برای پیروزی دین مقدس اسلام بر کفر و شرک و طاغوت، سر از پا نمی شناختند؛ که می توان به عنوان نمونه به ماجراهای « لیلۃ المَـبَـرِیت » و « جنگ احد » و « جنگ احزاب » و « فتح قلعه خیبر یهودیان » و ... اشاره کرد. آغاز امامت ایشان، از زمان رحلت جانشین رسول مکرّم اسلام (صلی الله علیه و آله) است که رسماً در « غدیر خم »، به عنوان خلیفه و امام و جانشین رسول خدا (صلی الله علیه و آله) منصوب شده اند. سرانجام در ۱۹ رمضان سال ۴۰ قمری در مسجد کوفه توسط ابن ملجم مرادی ترور، و در ۲۱ رمضان سال ۴۰ قمری به شهادت رسیدند. [3] آیات و روایات متعددی در عظمت شأن و مقام امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب (علیه السلام) وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می شود.

کلیدواژه ها: « علی ابن ابی طالب، شهید ماه مبارک رمضان ».

جایگاه علی ابن ابی طالب (علیه السلام) در قرآن مجید

امیر المؤمنین امام علی (علیه السلام) در قرآن مجید دارای شأن و مقام و منزلت والایی است که به برخی از آن آیات شریفه اشاره می شود.

الف) ایشان، در « آیه ۶۱ سوره آل عمران »، به عنوان « نَفْسٌ و جان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) معرفی شده است؛ خداوند متعال در سوره « آل عمران » می فرماید: « فَمَنْ حَاجَّكَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ؛ یا رسول الله (صلی الله علیه و آله)، کسانی که با تو درباره او (حضرت عیسی بن مریم سلام الله علیهما)، پس از إعطای علم الهی به تو درباره حقیقت او - بنده خدا بودن حضرت عیسی بن علیهما السلام نه خدا بودن ایشان - استدلال می کند، بگو: بیایید تا فراخوانیم پسرانمان و پسران آنان، زنهایمان و زنان هایتان، و خودمان و خودتان را، و سپس یکدیگر را نفرین کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم». [4]

مسلم بن حجاج نیشابوری در « صحیح مسلم » در تفسیر این آیه شریفه، از « سعد بن أبی وقاص » نقل می

کند زمانی که این آیه شریفه - « فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ » - نازل شد، رسول ﷺ (صلی الله علیه و آله) علی و فاطمه و حسن و حسین فراخواندند و فرمودند: « اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي؛ » « خدایا ، اینها ، اهل بیت من هستند. » [5]

ب) ایشان، به حکم « آیه ۳۳ سوره احزاب » ، جزء اهل بیت (علیهم السلام) و معصوم هستند؛ خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید: « إِنْ زَمَّ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ؛ قطعاً خداوند متعال اراده فرموده که تمام پلیدیها را از شما اهل بیت رسول ﷺ (صلی الله علیه و آله) دور کند و شما را پاک (معصوم) قرار دهد. » [6] حاکم نیشابوری در کتاب « المستدرک علی الصحیحین » می نویسد: « منظور از اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در آیه ۳۳ سوره احزاب ، علی و فاطمه و حسن و حسین است. » [7]

ج) ایشان، طبق « آیه ۵۹ سوره نساء » به عنوان یکی از مصادیق « أولوا الأمر معصوم و واجب الإطاعة » هستند؛ خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از خداوند متعال اطاعت کنید و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و أولوا الأمر نیز اطاعت کنید. » [8]

جناب آقای فخر رازی - یکی از مفسرین طراز اول اهل سنت - در تفسیر این آیه شریفه می نویسند: به جهت غیر مقيّد بودن « أطيعوا » در « أطيعوا الرسول و أولی الأمر منكم » ، ناچاریم که بگوییم : أولوا الأمر نیز مانند رسول خدا (صلی الله علیه و آله) معصوم هستند. [9] و إطلاق صیغه ی أمر « أطيعوا » ، دلالت بر واجب الإطاعة بودن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و أولوا الأمر دارد. همچنین جناب آقای فاضل قندوزی حنفی در « ینابیع المودة » در تفسیر این آیه شریفه بیان کرده اند، علی بن ابی طالب (علیه السلام)، یکی از أولوا الأمر هستند. [10]

د) ایشان ، طبق « آیه ۵۵ سوره مائده » ، به عنوان « سرپرست مسلمانان » معرفی شده است؛ خداوند متعال در این آیه شریفه می فرماید: « إِنْ زَمَّ مَا وَلَّيْتُكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ؛ قطعاً و یقیناً سرپرست شما ، خداوند متعال و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و افراد با ایمانی هستند که

نماز می خوانند و در هنگام رکوع نماز به فقیر صدقه می دهند». [11]

جناب ثعلبی نیشابوری - مفسّر بزرگ اهل سنت - در تفسیر این آیه شریفه، روایتی را از ابن عباس رضوان الله علیه نقل می کند که ایشان در باره سبب نزول این آیه شریفه گفته اند: « ما در مسجد النبی (صلی الله علیه و آله) بودیم که فقری آمد و درخواست کمک کرد. غیر از علی ابن ابی طالب (علیه السلام) که در حال نماز بودند، کسی به آن فقیر کمک نکرد ... ». [12]

جایگاه علی بن ابی طالب (علیه السلام) در سنت

الف) ایشان، یکی از عترت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است؛ قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) : « یا ایها الناس! إني قد تَرَكْتُ فيكم ما إن أخذتم به لَن تَضِلُّوا ؛ كتاب الله و عترتي، اهل بيتي؛ ای مردم، قرآن و اهل بیت را در میان شما به یادگار می گذارم، مادامی که از آنها پیروی کنید، هرگز گمراه نمی شوید». [13]

ب) ایشان، یکی از خلفای دوازده گانه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است؛ مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری در « صحیح مسلم » و ابو داود سجستانی در « سنن أبی داود » و احمد بن حنبل در « مسند احمد » حدیث صحیحی را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل کرده اند که می فرمایند: « لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَّا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً ، كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ ؛ مادامی که دوازده نفر از خلفای من بر شما حکومت کنند، دین مقدس اسلام، عزیز خواهد بود ». [14]

عالم جلیل القدر اهل سنت جناب آقای فاضل قندوزی حنفی (م ۱۲۹۴ق) در کتاب « ینابیع المَوَدَّة لِإِذَى الْقُرْبَى مِنْ أَهْلِ الْعَبَا (علیهم السلام) » در تفسیر این حدیث شریف می نویسد: « احادیث دلالت کننده بر این که تعداد جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم، دوازده نفر هستند، از طُرُق مختلفی (سندهای گوناگون) به دست مسلمانان رسیده است که با بررسی وقایع تاریخی صدر اسلام تا کنون ، در می بابیم که هیچ چاره ای نداریم غیر از این که حدیث شریف « اثنی عشر خليفة » را بر « ائمه دوازده گانه اهل بیت علیهم السلام »، تطبیق کنیم؛ زیرا: آنها، داناترین و با عظمت ترین و زاهدترین و با تقواترین مردم زمانشان بوده اند و از نظر نَسَب و حَسَب نیز ، آنها دارای بهترین و گرامی ترین خانواده نزد خداوند متعال هستند و علوم آنها نیز، مُتَّصِلًا بِجَدِّهِمْ (صلی الله علیه و آله) بِالْوَرَاةِ و علم غیب می باشند که « حدیث ثقلین » و احادیث فراوان دیگری نیز همین مُدَّعَا را به

(ج) ایشان، جامع صفات حَسَنَه انبیاء سابق (علیهم السلام) است؛ «عَنْ أَبِي الْحَمَرِّ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: كُنَّا حَوْلَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فَطَلَعَ عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ سَرَّهْ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَإِلَى نُوحٍ فِي فَهْمِهِ، وَإِلَى إِبْرَاهِيمَ فِي خُلُقِهِ، فَلَا يَنْظُرْ إِلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ رَسُولُ خَدَا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: «هر کس دوست آدم علیه السلام را با علمش و نوح علیه السلام را فهم و درکش و ابراهیم علیه السلام را با اخلاق نیکویش ببیند، به علی ابن ابی طالب نگاه کند». [16]

(د) ایشان، برادر و مُصاحِبِ رسول خدا (صلى الله عليه وآله) است؛ رسول خدا (صلى الله عليه وآله) در جنگ حُنَین فرمودند: «عَلَيٌّ أَخِي وَمُصَاحِبِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ عَلَى ابْنِ أَبِي طَالِبٍ، برادر من و همنشین در روز قیامت است». [17]

(ذ) ایشان، پرچم دار و فتح کننده قلعه ی خیبر است؛ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ سَهْلٍ بْنِ سَعْدٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، سَمِعَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، يَقُولُ يَوْمَ خَيْبَرَ: «لَأُعْطِيَنَّ الرِّايَةَ رَجُلًا يَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيْهِ يَدَيْهِ»، فَقَامُوا يَرْجُونَ لِذَلِكَ أَيْسُّهُمْ يُعْطَى، فَغَدَوْا وَكُلَّسَهُمْ يَرْجُونَ أَنْ يُعْطَى، فَقَالَ: أَيْنَ عَلِيٌّ؟؛ سهل بن سعد می گوید: در ماجرای فتح قلعه خیبر، رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: «فردا پرچم سپاه را به دست کسی خواهم داد که خداوند متعال بوسیله او قلعه خیبر را فتح خواهد کرد». [فردای آن روز] همه ی ما در مقابل رسول خدا (صلى الله عليه وآله) ایستاده بودیم و امیدوار بودیم که آن شخص پرچم دار ما باشیم. که نا گهان رسول خدا (صلى الله عليه وآله) فرمودند: «علی کجاست؟». [18]

- ابن حنبل شيباني، أحمد؛ « مسند أحمد » ، تحقيق: شعيب الأرنؤوط وعادل مرشد و ديكران، مؤسسة الرسالة، چاپ اوّل، 1421ق.
- ابوالفرج اصفهاني، علي بن حسين؛ « مقاتل الطالبين »، محقق: السيد أحمد صقر، ناشر: دار المعرفة، بيروت ، بي تا.
- ابو نعيم اصفهاني، احمد؛ « فضائل الخلفاء الأربعة و غيرهم »، محقق: صالح بن محمد العقيل، چاپ اول، دارالبخاري،المدينة المنورة، ١٤١٧ق.
- بخاري، محمد بن اسماعيل؛ « صحيح البخاري »، محقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، چاپ اول، ناشر: دار طوق النجاة، 1422هـ
- ثعلبي، احمد؛ « الكشف والبيان »، چاپ اول، دار النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان - 1422 هـ - 2002 م .
- حاكم نيشابوري، محمد؛ « المستدرک علی الصحيحين »، تحقيق: مصطفى عبد القادر، چاپ اول،دار الكتب العلمية، بيروت ، 1411ق.
- ترمذی، محمد؛ « سنن الترمذی » ، تحقيق: بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامي، بيروت، 1998م.
- فخر الدين رازي، محمد؛ « مفاتيح الغيب = التفسير الكبير »، دار إحياء التراث العربي، بيروت، چاپ سوّم، 1420ق.
- قندوزي، سليمان؛ « ينابيع المودة لذوي القربى »، تحقيق: سيد علي الحسيني، دار الأسوة للطباعة والنشر، چاپ اوّل، 1416 ق.
- لالكايي، هبة الله؛ « شرح أصول اعتقاد أهل السنة و الجماعة »، محقق: أحمد بن سعد الغامدي، چاپ هشتم، دار طيبة، سعودية، ١٤٢٣ق.
- مجلسي، محمد باقر؛ « بحار الانوار »، مؤسسة الوفاء ، بيروت ، بي تا.

- مفید، محمد؛ « الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد » ، محقق : مؤسسة آل البيت عليهم السلام ، چاپ اول، قم، ۱۴۱۳ق.

- مفید، محمد؛ « الأمالی »، محقق : حسین ولی، علی اکبر غفاری، چاپ اول ، ناشر: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.

[1] سطح چهار کلام اسلامی با گرایش نقد وهابیت: com.gmail@kordestan.mnvf

[2] مفید ، محمد بن محمد؛ « أمالی »، صص ۱۸ - ۱۹ ، ج ۷.

[3] ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین ؛ « مقاتل الطالبین »، ص ۵۳.

[4] سوره آل عمران، آیه ۶۱.

[5] نیشابوری، مسلم بن حجاج؛ « صحیح مسلم»، ج۵، ص۲۳، کتاب فضائل الصحابة، باب فضائل علی بن ابی طالب، ج ۳۲.

[6] سوره احزاب، آیه ۳۳.

[7] حاکم نیشابوری، محمد؛ « المستدرک علی الصحیحین»، ج۲، ص ۴۵۱، تفسیر سوره احزاب، ج ۳۵۵۸ و ج۳، ص ۱۴۳، ج ۴۶۵۲.

[8] سوره نساء، آیه ۵۹.

[9] فخر الرازی، محمد؛ « مفاتیح الغیب»، ج ۱۰، ص ۱۱۳: « أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمْرًا بِطَاعَةِ أُولِي الْأَمْرِ عَنِ سَبِيلِ الْجَزْمِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ وَمَنْ أَمَرَ اللَّهَ بِطَاعَتِهِ عَنِ سَبِيلِ الْجَزْمِ وَالْقَطْعِ لَا بُدَّ وَأَنْ يَكُونُ مَعْمُومًا عَنِ الْخَطَأِ، إِنْ لَوْ لَمْ يَكُنْ مَعْمُومًا عَنِ الْخَطَأِ كَانَ بِنْتَقَدِيرِ إِقْدَامِهِ عَنِ الْخَطَأِ يَكُونُ قَدْ أَمَرَ اللَّهَ بِمُتَابَعَتِهِ، فَيَكُونُ ذَلِكَ أَمْرًا بِفِعْلٍ ذَلِكَ الْخَطَأُ وَالْخَطَأُ لِكَوْنِهِ خَطَأٌ مَذْهُبِيٌّ عَنْهُ، فَهَذَا يُفْضِي إِلَى اجْتِمَاعِ

الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ فِي الْفِعْلِ الْوَاحِدِ بِالْاِعْتِدَارِ الْوَاحِدِ، وَإِنَّهُ مُجَالٌ،
فَثَبَّتَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَمَرَ بِطَاعَةِ أُولِي الْأَمْرِ عَلَى سَبِيلِ الْجَزْمِ،
وَثَبَّتَ أَنَّ كُلَّ مَنْ أَمَرَ اللَّهَ بِطَاعَتِهِ عَلَى سَبِيلِ الْجَزْمِ وَجَبَ أَنْ
يَكُونَ مَعْمُومًا عَنِ الْخَطَأِ، فَثَبَّتَ قَطْعًا أَنَّ أُولِي الْأَمْرِ الْمَذْكُورِ فِي
هَذِهِ الْآيَةِ لَا بُدَّ وَأَنْ يَكُونُوا مَعْمُومًا.»

[10] قندوزي، سليمان بن إبراهيم؛ « يابيع المودة لذوي القربى »، ج ١، ص ٦٥.

[11] سورة مائده ، آيه ٥٥.

[12] ثعلبي، احمد؛ « الكشف و البيان»، ج ٤، صص ٨٠ - ٨١ . طبرسي،

[13] نيشابوري، مسلم؛ « صحيح مسلم»، كتاب فضائل الصحابة ، باب فضائل علي بن ابي طالب، ج ٢٤٠٨.
ترمذي، محمد؛ « سنن الترمذي»، باب مناقب اهل بيت النبي صلى الله عليه وآله، ج ٣٧٨٦.

[14] قشيري نيشابوري، مسلم بن حجاج؛ « صحيح مسلم»، كتاب الإمارة ، ج 6، ص ٣، باب الناس تبع قريش و
الخلافة في قريش، حديث 4812 . ابوداود سجستاني، سليمان؛ « سنن ابي داود »، ج ٤، ص ١٧٢، كتاب
المهدي، باب ١، ح 4282 . ابن حنبل، احمد؛ « مسند احمد»، ج ٥، ص ٩٠ : 20870 و ج ٥، ص ٩٣، حديث
٢٠٩٠٩ .

[15] فاضل قندوزي حنفي، سليمان بن ابراهيم حسيني؛ « يابيع المودة لذوي القربى من أهل العبا (عليهم السلام) »، ص ٤٤٦: « إن الأحاديث الدالة على كون الخلفاء بعده (صلى الله عليه وآله) إثنا عشر
قد اشتهرت من طرق كثيرة، فبشرح الزمان وتعريف الكون والمكان، علم أن مراد رسول الله (صلى الله عليه وآله) من حديثه هذا الأئمة الاثنا عشر من أهل بيته وعترته (عليهم السلام)، إذ لا يمكن أن يحمل هذا
الحديث على الخلفاء بعده من أصحابه، لقلبتهم عن اثني عشر، ولا يمكن حمله على ملوك بني أمية
لزيادتهم على اثني عشر، ولظلمهم الفاحش إلا عمر بن عبد العزيز، ولكونهم غير بني هاشم، لان النبي
(صلى الله عليه وآله) قال " كلهم من بني هاشم " في رواية عبد الملك عن جابر، وإخفاء صوته (صلى الله عليه وآله)
عليه وآله) في هذا القول يرجح هذه الرواية، لأنهم لا يحسنون خلافة بني هاشم، ولا يمكن حمله على ملوك
بني العباس لزيادتهم على العدد المذكور، ولقلة رعايتهم الآية (قل لا أسألكم عليه أجراً إلا المودة
في القربى) وحديث الكساء، فلا بد من أن يحمل هذا الحديث على الأئمة الاثني عشر من أهل بيته وعترته

(عليهم السلام) لأنهم كانوا أعلم أهل زمانهم وأجلهم وأورعهم وأتقاهم، وأعلام نسبا، وأفضلهم حسبا، وأكرمهم عند الله، وكانت علومهم عن آبائهم متصلا بجدهم (صلى الله عليه وآله) وبالوراثة والدنية، كذا عرفهم أهل العلم والتحقيق وأهل الكشف والتوفيق. ويؤيد هذا المعنى أى أن مراد النبی (صلى الله عليه وآله) الأئمة الاثنا عشر من أهل بيته (عليهم السلام) ويشهده ويرجحه حديث الثقلين، والأحاديث المتكثرة المذكورة فى هذا الكتاب وغيرها. وأما قوله (صلى الله عليه وآله): " كلهم تجتمع عليهم الأمة " فى رواية عن جابر بن سمرة فمراده (صلى الله عليه وآله) أن الأمة تجتمع على الاقرار بامامة كلهم وقت ظهور قائمهم المهدي (عليه السلام) ».

[16] ابو نعيم اصفهاني، احمد؛ « فضائل الخلفاء الأربعة و غيرهم »، محقق: صالح بن محمد العقيل، ج ١، ص ٥٩، ح ٤٢.

[17] ابو نعيم اصفهاني، احمد؛ « فضائل الخلفاء الأربعة و غيرهم »، محقق: صالح بن محمد العقيل، ج ١، ص ١٧٩، ح ٢٣٤ .

[18] بخارى، محمد بن اسماعيل؛ « صحيح البخارى»، ج ٤، ص ٤٧، ح ٢٩٤٢ و ج ٥، ص ١٨، ح ٣٧٠٢ و ج ٥، ص ١٣٤، ح ٤٢١٠ .